

چکیده

شفافیت همواره به عنوان یکی از اصول مهم سازمان تجارت جهانی تلقی گردیده است. بررسی رویکرد سازمان تجارت جهانی می‌تواند ابزارها و رویه‌هایی که این سازمان جهت بلوغ و تکامل این اصل مدنظر قرار داده است را تبیین نماید. به دلیل اهمیت خاص این موضوع، هدف پژوهش جاری ارائه پاسخی مناسب برای این مسئله است که اثر شفافیت و ضمانت اجرای قوانین تجارت در تحقق اهداف سازمان تجارت جهانی با رویکرد عضویت دولت‌ها در آنها چه خواهد بود؟ گفتنی است که روش پژوهش در این جستار به صورت تحلیلی-توصیفی و همچنین روش گردآوری اطلاعات در قالب مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد. نتایج بیانگر آن است تقریباً در تمامی موافقتنامه‌های این سازمان شاهد مقررهای پیرامون شفافیت هستیم و در واقع، اصل شفافیت فرایندی در حال تکامل و رو به رشد داشته و سیر این تکامل، بنحوی بوده است که به عنوان مبنایی جهت تغییر در ساختار این سازمان مدنظر قرار گرفته و این امکان را فراهم آورده است که بر اساس آن تلاش‌هایی جهت اصلاح فرایندهای ایجاد خط مشی‌های تجاری در سیستم داخلی اعضا، صورت پذیرد. همچنین تبیین گردید که شفافیت می‌تواند به موتور محرک کشورها در افزایش حجم معاملات تجاری و بازرگانی، استفاده از قوانین رقابت مطابق با حقوق بین‌الملل، استفاده از ظرفیت‌های حمایت از محصولات و کالاهای اختصاصی و مالکیت آنها در سراسر جهان و همچنین در صورت بروز اختلاف، از پتانسیل نهاد داوری نیز استفاده نماید. همچنین شفافیت قراردادهای مذکور و تضمینات اجرای آنها سبب خواهد شد که دولت‌ها به مراتب با سهولت بیشتری به عضویت نهادها و سازمان‌های زیرمجموعه سازمان تجارت جهانی درآیند.

کلمات کلیدی: سازمان تجارت جهانی، شفافیت قراردادها، ضمانت اجرا، موافقتنامه‌های بین‌المللی

^۱ دانش‌آموخته دوره کارشناسی ارشد، حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی چابهار: نویسنده مسئول

مزایای به کارگیری اصل شفافیت سبب شده است که این اصل، در سیستم‌های حقوقی از جایگاه بالایی برخوردار باشد. با آنکه ریشه‌های اصل شفافیت را باید در حقوق داخلی جستجو نمود، اما این اصل در سده‌های اخیر، در حقوق بین‌الملل نیز وارد شده و آن را متأثر ساخته است. با این حال، باید در نظر داشت که به واسطه ویژگی‌های خاص حقوق بین‌الملل، اصل شفافیت، نتوانسته است بر تمامی عرصه‌های آن تأثیر یکسانی داشته باشد، به نحوی که با کمی اغماض می‌توان گفت؛ شفافیت در همه عرصه‌های حقوق بین‌الملل امکان تجلی نیافته است. با توجه به وضعیت کنونی حقوق بین‌الملل، تبلور واقعی و عملی اصل شفافیت در معنای قاعده حقوقی دارای سطحی از الزام و ضمانت اجرا، بیشتر در عرصه حقوق بین‌الملل تجاری بوده است. در این رشته از حقوق نحوه مذاکرات برای حصول توافق، نهادهای حاکم بر توافق، یا نحوه حل و فصل اختلافات مدنظر خواهد بود تا به کمک از پتانسیل‌های حقوقی موجود، بتوان بر این چالش‌ها فائق آمد.

با اینکه اصل شفافیت در عرصه‌های مختلف حقوق بین‌الملل اقتصادی، از جمله: تجارت، سرمایه‌گذاری، مالیه بین‌المللی و... مجال جلوه‌گری داشته است اما در حوزه تجارت بین‌الملل مجال بروز و اعمال بیشتری داشته است، به نحوی که در بسیاری از توافقات مرتبط با تجارت بین‌المللی به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین حقوقی در نظر گرفته می‌شود. تا آنجا که صاحب‌نظران علم حقوق، اهمیت اصل شفافیت در رابطه با سیستم اصل «دولت کامله الوداد» و «اصل رفتار ملی» و... سازمان تجارت جهانی را حائز اهمیت می‌دانند.

مزایای به کارگیری اصل شفافیت سبب شده است که این اصل، در سیستم‌های حقوقی از جایگاه بالایی برخوردار باشد. با آنکه ریشه‌های اصل شفافیت را باید در حقوق داخلی جستجو نمود، اما این اصل در سده‌های اخیر، در حقوق بین‌الملل نیز وارد شده و آن را متأثر ساخته است. با این حال، باید در نظر داشت که به واسطه ویژگی‌های خاص حقوق بین‌الملل، اصل شفافیت، نتوانسته است بر تمامی عرصه‌های آن تأثیر یکسانی داشته باشد، به نحوی که با کمی اغماض می‌توان گفت؛ شفافیت در همه عرصه‌های حقوق بین‌الملل امکان تجلی نیافته است (قنبری جهرمی و زمانی، ۱۳۹۸). با توجه به وضعیت کنونی حقوق بین‌الملل، تبلور واقعی و عملی اصل شفافیت در معنای قاعده حقوقی دارای سطحی از الزام و ضمانت اجرا، بیشتر در عرصه حقوق تجارت بین‌الملل بوده است (ضیایی بیگدلی و صلحی، ۱۴۰۰). از طرف دیگر، شفافیت در قوانین نقش مهمی در تحقق اهداف سازمان تجارت جهانی دارد، زیرا ضمانت اجرای مقررات آن سازمان عمدتاً بر اتخاذ رفتار تلافی‌جویانه توسط کشورهای دیگر استوار است و این نوع ضمانت اجرا در صورتی مؤثر است که کشورهای دیگر به صورت شفاف از مقررات موجود و سیاست‌های اتخاذ شده در سایر کشورهای عضو آگاهی پیدا کنند. برخی از موافقت‌نامه‌های سازمان، اعضا را ملزم می‌کند که قوانین و مقررات خود را به صورت شفاف تنظیم کنند و متن آنها را جهت اطلاع عموم آگهی نمایند و نسخه‌ای از آن را به اطلاع سازمان برسانند. همچنین نظارت منظم بر سیاست‌های تجاری اعضا که از طریق مکانسیم بررسی سیاست‌های تجاری سازمان انجام می‌شود نیز باعث می‌شود که شفافیت قوانین و مقررات و سیاست‌های تجاری در سطح داخلی و بین‌المللی تأمین گردد (آزمایش، ۱۳۹۴). با تعمیم این مسئله می‌توان گفت که الزامی است که بسیاری از معاهدات، پروتکل‌ها، موافقت‌نامه و دیگر کنوانسیون‌ها در بستر تجارت بین‌الملل، ساختار شفافیت قانونی را رعایت کرده و از این منظر، ضمانت اجرایی را برای اعضا، رقم بزنند. زیرا چالش‌های بوجود آمده برای اعضا در معاهدات تجاری بین‌المللی، عمده‌ترین تبعاتی است که گاهاً کشورها آنرا تجربه می‌نمایند (تاو^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). از آنجا که تاکنون ارزش اصل شفافیت در سیستم تجارت بین‌المللی یا به عبارت ساده

^۱ Thow

تر رویکرد سازمان تجارت جهانی نسبت به این اصل کمتر در ادبیات حقوقی فارسی مدنظر قرار گرفته است، پژوهش حاضر به دنبال یافتن رویکرد سازمان تجارت جهانی به اصل شفافیت و نحوه اعمال آن می‌باشد.

شماره ۵۲

دوره ۱۲

سال پنجم

بهار ۱۴۰۳

صص ۱-۱۹

۲- تعاریف و مفاهیم

در این بخش از پژوهش به تشریح و تبیین برجسته‌ترین و کلیدی‌ترین مفاهیم مورد کاربرد در جریان پژوهش اشاره خواهیم داشت تا بدین ترتیب ادراک و اشراف نسبی بهتری برای مخاطب ایجاد گردد.

- سازمان تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی محلی است برای کشورهای عضو که مسائل و مشکلات تجاری خود را مطرح و برای آن راه حل پیدا کنند. وقتی کشورها با موانع تجاری در کشورهای دیگر مواجه می‌شوند، سازمان محل مناسبی است که این مشکلات را مورد مذاکره قرار داده و قبل از فراگیر شدن آنها نسبت به حل آن اقدام کنند. این مذاکرات ممکن است به مذاکره موافقت‌نامه‌های جدید و یا کاهش موانع تجاری و تعرفه‌های گمرکی منجر شود.

موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی مجموعه‌ای از اصول و مقرراتی است که کشورهای عضو را ملزم به تنظیم سیاست‌های تجاری خود در چارچوب آن اصول و مقررات می‌نماید. کشورهای عضو موظف‌اند قوانین و مقررات و سیاست‌های تجاری خود را به صورت شفاف منتشر نموده و در اختیار عموم قرار دهند. این امر به سایر کشورهای عضو اطمینان می‌دهد که از اصول و مقررات سازمان عدول نشده و به تجار و شرکت‌های تجاری اطمینان می‌بخشد که با تغییرات ناگهانی در سیاست‌های تجاری مواجه نخواهند شد و می‌توانند برای دراز مدت برنامه ریزی کنند. سازمان تجارت جهانی، محلی است برای حل و فصل اختلافاتی که در اثر تعارض منافع بین کشورها بروز می‌کند. همچنین موافقت‌نامه‌ها و اسناد لازم الاجرا معمولاً نیاز به تفسیر دارند که سازمان یک روش بی‌طرفانه، منصفانه جهت حل و فصل اختلافات را پایه‌ریزی کرده و کشورها را پایبند نموده که اختلافات خود را از طریق آن سازمان حل و فصل نمایند. برای شناخت سازمان تجارت جهانی و تشکیلات آن لازم است به طور خلاصه سابقه شکل‌گیری گات و جایگزینی سازمان تجارت جهانی مطرح شود.

- ماهیت شفافیت در حوزه تجارت و اقتصاد

شفافیت مفهومی است که نه تنها در معاملات دولتی، بلکه در بسیاری دیگر از جنبه‌های حکمرانی مورد اهتمام است. اهمیت شفافیت تا جایی است که در جهت نیل به آن در سال ۱۹۹۳ سازمانی غیردولتی تحت عنوان شفافیت بین‌الملل ایجاد گردید. هدف این سازمان مقابله با فساد در سرتاسر دنیاست. سازمان شفافیت بین‌الملل شفافیت را این‌گونه تعریف کرده است: «شفافیت مربوط است به دانستن چرایی و چگونگی انتشار قواعد، طرح‌ها، فرآیندها و اقدامات. شایان ذکر است که اثر شفافیت در واقع نمود فاقد ابهام اعمال مقامات عمومی، کارمندان دولت، مدیران، اعضای هیأت‌مدیره و افراد تاجر در قالب گزارشات مدون براساس اصول مشخص که در اختیار سازمان قرار می‌گیرد که برجسته‌ترین نمود شفافیت در این حوزه می‌باشد، بدان معنا که عموم افراد بتوانند ناظر بر آن باشند. این بهترین شیوه برای مقابله با فساد است و به افزایش اعتماد مردم کمک می‌کند.

شفافیت در عامیانه‌ترین و طبیعی‌ترین معنای خود واژه‌ای تمثیلی است: «زمانی به یک ضابطه، قانون، یا فرایند حقوقی شفاف می‌گوییم که بتوان به راحتی آن را درک نمود». دقیقاً مانند زمانی که از طریق یک پنجره شفاف قادر به مشاهده اشیا

هستیم (آرواسمیت، ۲۰۱۳)، فرایند و نتایج ابزارهای حقوقی نیز باید به آسانی قابل درک بوده و دامنه حقوق و تکالیفی که ایجاد می‌نماید برای مخاطبین آن به راحتی قابل ارزیابی باشد و چنانچه دارای این معیارها نباشد، قانون مورد نظر «غیرشفاف» نامیده می‌شود (ماک، ۲۰۱۵).

شماره ۵۲

دوره ۱۲

سال پنجم،

بهار ۱۴۰۳

صص ۱-۱۹

با وجود اینکه دیدگاه‌های کلی که پیرامون «شفافیت»، در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل، بیان شده است، تعاریف انتزاعی و پیچیده تری نسبت به معنای عرفی و متداول این مفهوم به دست می‌دهد،^۴ اما شفافیت در سازمان تجارت جهانی به تعریف عادی و عرفی آن نزدیک است و بدین معناست که فعالان عرصه تجارت بین‌الملل و به طور خاص کشورها، خط مشیها، مقررات و ضوابط مؤثر بر تجارت خارجی را به طور واضح و قابل استنباطی در اختیار طرفهای تجاری تجارت جهانی «شفافیت» را اینگونه معنا می‌کند: «سطحی که در آن خط مشی‌ها و رویه‌های تجاری و فرایند مؤسس آنها، قابل دسترسی و قابل پیش بینی هستند»^۱. حال که مفهوم شفافیت را در سیستم تجارت بین‌الملل دریافتیم، مناسب است به بررسی قلمرو اعمال این اصل در سیستم تجارت بین‌الملل پرداخته و این موضوع را مورد بررسی قرار دهیم که این اصل در کدام یک از موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی و نظام قبلی آن، یعنی موافقتنامه تعرفه و تجارت (گات) (۱۹۴۷)، امکان بروز یافته است. در واقع شفافیت به معنای این است که کلیه تصمیماتی که توسط مقامات عمومی، نهادها و سازمان‌ها گرفته می‌شود، به موجب قانون بوده و تمامی اطلاعات به راحتی در دسترس افرادی قرار بگیرد که این تصمیمات در سرنوشت آنها اثر دارد.

۳- پیشینه پژوهش

کدخدایی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «چالش نظام حقوقی ایران در مواجهه با آثار قهری معاهدات بین‌المللی و عدم ترتب اثر حق شرط در آنها» بیان می‌دارند که جلوه آشکار نظام معاهداتی کشور خود را در طنین نظرات و تصمیمات مجلس شورای اسلامی یا شورای نگهبان در پذیرش یا رد موافقتنامه‌های بین‌المللی نمایان می‌سازد. چنانچه بر وسعت و عمق نگاه حاکم بر این فرایند افزوده شود، چندین ابهام مکنون در مضامین حقوق اساسی را می‌توان متوجه کشور دانست که هر یک به مثابه تهدیدی بر امنیت و منافع ملی سایه می‌افکند. از یک منظر معاهدات بین‌المللی می‌تواند آثاری را قهرآ بر دایره تعهدات فراملی کشور تحمیل کنند بدون آنکه مورد پذیرش نظام داخلی کشور قرار گرفته باشند و از منظری دیگر به علت فقدان سازوکار نظارتی احتمال مغایرت در مفاد تصویب شده داخلی و خارجی وجود دارد. نوشتار پیش رو با روش تحقیق توصیفی تحلیلی به تبیین خلأ موجود در نظام معاهداتی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. آنچه در این تحقیق از نظر گذرانده می‌شود لزوم تدوین نظام کنش و واکنش در رویه بین‌المللی کشور و همچنین تهیه سازوکاری جهت اطلاع نهادهای ذیصلاح از فرایند پساتصویب معاهدات بین‌المللی است تا بتوان آثار قهری و مکتوم معاهدات را به حداقل رساند. در همین خصوص زمانی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «جایگاه اصل شفافیت در حقوق بین‌الملل اقتصادی» اذعان می‌دارد که شفافیت در حقوق بین‌الملل اقتصادی به معنی قابلیت دسترسی به اطلاعات و آگاهی از تصمیمات بازیگرانی است که در مناسبات اقتصادی بین‌المللی مشارکت دارند. هرچند در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل اقتصادی می‌توان موضوع شفافیت را ملاحظه کرد، همواره در خصوص ماهیت آن تردید وجود داشته است. اینکه چه میزان از خصوصیات یک اصل حقوقی الزام‌آور در مورد شفافیت صدق می‌کند، جای سؤال است. این مقاله طی بررسی توصیفی و تحلیلی نشان می‌دهد که شفافیت به‌عنوان یک اصل، از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل اقتصادی است که توانسته است در رویه‌های دولت‌ها و مراجع بین‌المللی نیز رسوخ کند.

^۱ https://www.wto.org/english/thewto_e/glossary_e/glossary_e.htm: (Last visited on: 08/09/2015)

همچنین از تمامی خصوصیتی که برای یک اصل حقوقی برشمرده می‌شود، برخوردار است. از این رو به نظر می‌رسد این اصل را می‌توان در موضوعات مختلف حقوق بین‌الملل اقتصادی شامل حقوق سرمایه‌گذاری، حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق بین‌الملل پولی و مالی به‌عنوان یک اصل موجد تعهد شناسایی کرد. البته باید توجه داشت که نگاه مثبتی به حقوق بین‌الملل، اعمال و اجرای اصل مزبور را در همه زیرمجموعه‌های جزئی حوزه‌های مذکور، با مشکل مواجه می‌کند. همچنین روملس^۱ (۲۰۲۲) در پژوهش خود بیان می‌دارد که تجارت جهانی این است که اعضا باید مقررات تجاری مربوط را به صورت شفاف و روشنی منتشر کرده و در معرض دید همگان قرار دهند. سیاست‌ها و تدابیری که به وسیله کشورهای عضو اتخاذ شده و تأثیری بر تجارت دارند باید به نحو مقتضی منتشر شوند. طبق ماده ۱۰ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) ۱۹۹۴، کلیه قوانین و مقررات، تصمیمات قضایی و دستورالعمل‌های اداری که به وسیله هر یک از کشورهای عضو برقرار شده و به نحوی در فروش، توزیع، حمل و نقل، بیمه، انبارداری، مونتاژ محصولات و امثال آن مؤثر باشد، باید منتشر شود. شفافیت در مقررات در ماده ۳ موافقت‌نامه عمومی راجع به تجارت خدمات نیز الزامی شده است.

۴- ساختار سازمان تجارت جهانی

هر چند گات ۱۹۴۷ صرفاً یک معاهده چند جانبه بود و بنا بود که تحت کنترل و نظارت سازمان تجاری بین‌المللی (WTO) اجرا شود، ولی به علت عدم تشکیل این سازمان، گات سعی کرد تا ضعف تشکیلاتی خود را با ایجاد یک دبیرخانه کوچک جبران کند. یکی از توفیقات مهم مذاکرات دور اروگوئه ایجاد یک سازمان تجاری جهانی منسجم و دائمی به جای دبیرخانه گات است. سازمان تجارت جهانی، نسبت به گات از دو نظر دارای تشکیلاتی منسجم‌تر و مناسب‌تر است. که به شرح زیر بیان می‌شود:

- ایجاد یک رکن دائمی برای بررسی خط‌مشی‌های تجاری

رکن بررسی خط‌مشی‌های تجاری وظیفه دارد تا به طور مستمر سیاست‌ها و تدابیر اتخاذ شده به وسیله اعضا در مورد تجارت کالا و خدمات را بررسی و مطالعه کند. این رکن موظف است تا هر چهار سال یک بار (نسبت به کشورهای عمده تجاری) و هر دو سال یک بار (نسبت به سایر کشورها) سیاست‌ها و تدابیر تجاری اعضا را بررسی کرد گزارشی در این رابطه تهیه کند. این گزارش همراه با توضیحات متبوع آن کشور منتشر شده و در دید سایر کشورها قرار می‌گیرد. سیاست‌های اتخاذی یک کشور به نحوی که در این گزارشات منعکس شده می‌تواند باعث اعتراض و یا اقدامات تلافی‌جویانه سایر کشورها شود. هدف از مقررات مربوط به «مکانیسم بررسی خط‌مشی‌های تجاری»، تضمین وفاداری اعضا به مقررات سازمان و نظارت بر انجام تعهدات تقبل شده آنها می‌باشد. این بررسی‌ها موجب خواهد شد تا مقررات و سیاست‌های تجاری یک کشور شفاف شده و درک صحیح و بی‌طرفانه‌ای از سیاست‌ها و تدابیر اتخاذ شده از طرف یک عضو به دست آید (انصاری معین، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

- ایجاد یک رکن دائمی برای حل و فصل دعاوی

بر اساس مقررات سازمان تجارت جهانی اعضا نباید به اتخاذ تصمیمات یک طرفه علیه یکدیگر اقدام کنند. آنها موظف‌اند تا دعاوی خود را از طریق رکن حل و فصل دعاوی سازمان تجارت جهانی و طبق مقررات سازمان حل و فصل کنند. چنانچه طرفین

^۱ Banlaoi, Rommelc

یا اطراف دعوی توافق کنند، موضوع مورد اختلاف براساس میانجیگری، سازش و یا از طریق مساعی جمیله حل و فصل خواهد شد. در صورت عدم توافق و با شکست میانجیگری یا سازش، کشور شاکی ممکن است طبق مقررات حقوقی درخواست حل و فصل دعوی کند. حل و فصل اختلافات براساس تفاهم نامه راجع به حل و فصل دعاوی انجام خواهد گرفت، و «رکن حل و فصل دعاوی» وظیفه اداری آن را به عهده خواهد داشت.

۵- جایگاه اصل شفافیت در حقوق بین الملل اقتصادی

شفافیت در حقوق بین الملل اقتصادی به معنی قابلیت دسترسی به اطلاعات و آگاهی از تصمیمات بازیگرانی است که در مناسبات اقتصادی بین المللی مشارکت دارند. هرچند در حوزه های مختلف حقوق بین الملل اقتصادی می توان موضوع شفافیت را ملاحظه کرد، همواره در خصوص ماهیت آن تردید وجود داشته است. اینکه چه میزان از خصوصیات یک اصل حقوقی الزام آور در مورد شفافیت صدق می کند، جای سؤال است. باید گفت که شفافیت به عنوان یک اصل، از اصول بنیادین حقوق بین الملل اقتصادی است که توانسته است در رویه های دولت ها و مراجع بین المللی نیز رسوخ کند. همچنین از تمامی خصوصیات که برای یک اصل حقوقی برشمرده می شود، برخوردار است. از این رو به نظر می رسد این اصل را می توان در موضوعات مختلف حقوق بین الملل اقتصادی شامل حقوق سرمایه گذاری، حقوق تجارت بین الملل و حقوق بین الملل پولی و مالی به عنوان یک اصل موجد تعهد شناسایی کرد. البته باید توجه داشت که نگاه پوزیتیویستی به حقوق بین الملل، اعمال و اجرای اصل مزبور را در همه زیرمجموعه های جزئی حوزه های مذکور، با مشکل مواجه می کند.

۶- موازین خدمات در سازمان تجارت جهانی و شفافیت تأسیس واحدهای ارتباطی مربوط به گاتس

شفافیت در حوزه های مختلف می تواند معانی کم و بیش متفاوتی داشته باشد که در محتوا همه به دنبال یک هدف هستند در حوزه بازارهای مالی شفاف سازی به معنای توانایی مشارکت کنندگان بازار در کسب اطلاعات در خصوص فرآیند انجام معامله از قبیل قیمت میزان سفارش حجم معامله ریسک و هویت معامله کننده است. در واقع بازارها زمانی از شفافیت برخوردارند که افشاگری بلادرنگ و جامع از شرایط واقعی معاملات قیمت ها یا سفارشات خرید و فروش به عمل آید به نحوی که معرف ظرفیت واقعی معاملات باشند (سلیم و شهریاری، ۱۳۸۸). در شفافیت سه وجه می تواند مطرح شود نخست ایجاد جریان مستمر و به هنگام اطلاعات دوم حسابرسی و ممیزی و تدقیق اطلاعات و سوم منع افراد و گروه های درونی از سوء استفاده از اطلاعات (میرمطهری، ۱۳۸۹).

اطلاعات در برگزیده دانسته یا دسته ای از دانسته ها میباشد که در مواقع لزوم شخص را وادار به تغییر موضع عقیده و تصمیم یا تجدید نظر در تصمیم گیری می کند افشا عبارت است از انتشار اطلاعات مهم و تأثیر گذار بر بازار بند ۲۲ مذاکرات تجاری دور دوحه شفافیت را یک ضرورت برای تدوین قوانین و مقررات تجاری بین المللی شفاف و قابل پیش بینی میداند شفافیت یکی از هنجارهای اساسی تجارت بین الملل است که به فعالان بازار مقامات دولتی و مردم عادی اجازه می دهد تا دریابند که چه چیزهایی قانون است و چگونه باید اعمال شود. مقررات شفافیت به فعالان بازار اجازه می دهد تا از حقوق و تعهدات خود آگاه باشند. با این حال معنای شفافیت بطور مشخص تعریف نشده است یکی از عناصر، شفافیت در دسترس بودن اطلاعات مربوط به مقررات استانداردها و قوانین است. فقدان شفافیت می تواند منجر به اتخاذ آراء قضایی و اداری خودسرانه و تبعیض آمیز و استفاده سوگیرانه از معیارها و ضوابط گردد. این استانداردها ممکن است از شیوه های مرسوم در زندگی عادی برگرفته شده باشد؛ مثل روش معامله تجار که می تواند بصورت یک استاندارد و عرف تجاری در آید شفافیت مفاهیم امکان دسترسی

امکان ارتباطات و الزام به پاسخگویی را در بر می‌گیرد. در اکثر توافق نامه‌های بین‌المللی تجارت اصل شفافیت به عنوان یک اصل اساسی مطرح شده است. به عنوان مثال بند ۱۰ موافقتنامه گاتس به رعایت اصل شفافیت در زمینه نشر قوانین و مقررات مربوط به تجارت، اقدامات دولت آراء قضایی و مقررات اداری دارای کاربرد عام را مقرر داشته است. در موافقتنامه موانع فنی تجارت نیز الزام به شفافیت و الزام به اطلاع رسانی در مواردی که یک اقدام دارای اثر قابل توجهی بر تجارت سایر اعضا داشته باشد، وجود دارد (فتوتیکی، ۲۰۱۶).

فقدان شفافیت در صورتی است که فردی اعم از کارکنان دولت یا یک نهاد عمومی یک شرکت یا بانک عمداً مانع دسترسی به اطلاعات شده با اطلاعات غلط ارائه نماید یا اینکه در تضمین کیفیت اطلاعات ارائه شده قصور کند در موارد فوق شفافیت در بورس با شفافیت در گاتس یکی انگاشته شده است. یکی از مواردی که در تجارت اهمیت فراوانی دارد اطلاع صحیح و کامل از مقررات و اموری است که می‌تواند بر جریان تجارت تاثیر مستقیم یا غیر مستقیم بگذارد از این رو اطلاع رسانی به موقع مورد توجه موافقت‌نامه خدمات قرار گرفته است. به موجب ماده ۳ با عنوان شفافیت هر عضو همه اقدامات دارای کاربرد عام را که به اجرای موافقت‌نامه حاضر مربوط می‌شوند یا بر اجرای آن اثر می‌گذارند فوراً و جز در وضعیتهای اضطراری حداکثر تا تاریخ لازم الاجرا شدن آنها منتشر خواهد ساخت به عنوان مثال در صورتی که دولتی بر اساس مقررات جدیدی دسترسی به بازار بخش خدمات بهداشتی را با اجباری نمودن اخذ گواهی سلامت عرضه کنندگان این بخش محدود نماید مکلف است این اقدام را اطلاع دهد. موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به یا موثر بر تجارت خدمات که هر یک از اعضای موافقت‌نامه حاضر آن را امضا کرده‌اند نیز منتشر خواهند شد. در مواردی که انتشار به ترتیب مذکور عملی نباشد اطلاعات به گونه‌ای دیگر در اختیار عموم قرار خواهد گرفت.

بطور کلی اصل شفافیت در قواعد سازمان جهانی تجارت به سه الزام اصلی تقسیم شده است:

- الزام به انتشار یا به عبارت دیگر در دسترس عموم قرار دادن کلیه مقررات مربوط و موثر بر تجارت خدمات
- الزام به اطلاع رسانی نسبت به اقدامات دولت که موثر بر تجارت خدمات است و تغییرات آتی آن به سازمان جهانی تجارت
- الزام به اطلاع رسانی مصوبات و رهنمودهای اداری و نیز مکانیزم‌های بازنگری مقررات داخلی موثر بر تجارت خدمات این تعهدات به ارتقای یک دیدگاه قانون‌گرا در سیاست تجاری در سطح ملی کمک می‌کند.

همچنین این تعهدات اطلاعات مورد نیاز عرضه کنندگان خدمات را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، این تعهدات باعث جلوگیری از بروز اختلاف و تسهیل مذاکرات تجاری می‌شود در سازمان جهانی تجارت الزام به انتشار همه قوانین مقررات آراء قضایی و اقدامات اداری موثر بر تجارت خدمات محوری‌ترین ضرورت‌ها برای اجرای اصل شفافیت میباشد و گاتس نمی‌تواند بر این موارد ضروری استثنایی بار کند. بخش دوم ماده ۳ گاتس اذعان می‌دارد که ممکن است الزام انتشار بنا به دلایلی مثل مشکلات سیستم اداری، کمبود نیروی انسانی و مشکلات مربوط به تامین هزینه‌ها قابل اجرا نباشد ممکن است اجرای الزامات مربوط به انتشار برای یک اقتصاد غیر متمرکز، دشوار و سنگین باشد. در چنین مواردی ممکن است اعضا بپذیرند که الزام به انتشار از طریق شیوه‌ای متناسب با شرایط و مشکلات عضو مذکور صورت گیرد مثل استفاده از وب سایت، به نحوی که اعضا مطمئن باشند همه مقررات و اقدامات مربوط و موثر بر تجارت خدمات با آن شیوه، قابل اطلاع رسانی است (دلیماتیس، ۲۰۱۲).

۱. چاپ سریع قوانین تازه یا تغییرات قوانین مرتبط با مقررات دستور العمل‌های اجرایی و همه تصمیمات دیگر اظهار نظرها احکام کلی که مربوط به اجرا گاتس است و یا بر اجرا آن تاثیر دار (ماده ۳ بندهای (۱-۳))
۲. ایجاد مراکز اطلاع رسانی توسط همه اعضا که اطلاعات خاص فوق را بنا به درخواست در اختیار متقاضی قرار دهند (ماده ۳ بند ۴)
۳. مشارکت بیشتر ممالک در حال توسعه این تعهد ایجاب می‌کند که حداکثر ظرف دو سال اعضا مراکز تماس برای فراهم سازی اطلاعات بازار درباره نکات زیر ایجاد نمایند:

- الف: جنبه‌های بازرگانی و فنی عرضه خدمات
- ب: ثبت نام تایید و تحصیل صلاحیت حرفه‌ای
- پ: موجودی تکنولوژی خدمات (ماده ۴)

علاوه بر این به موجب ماده ۲۵ گاتس در مورد همکاری فنی مقرر شده است آن دسته از عرضه کنندگان خدمات اعضا که به کمک‌های فنی در این رابطه نیاز داشته باشند به خدمات کارشناسی نقاط تماس مذکور در بند ۲ ماده ۴ دسترسی خواهند داشت.

۴. اطلاع دادن انعقاد قراردادهای تشکیل اتحادیه اقتصادی قراردادهای تشکیل اتحادیه‌های اقتصادی که تجارت خدمات را آزاد می‌سازد و نیز هرگونه وسعت دادن به این اتحادیه‌ها و یا هرگونه تعدیل عمده در آنها باید سریعاً به شورای تجارت خدمات اطلاع داده شود. (ماده ۵ بند ۷).

۵. اجرای مقررات داخلی بصورت عاقلانه بی طرفانه و دقیق اولین تعهد را برای اعضا ایجاب می‌کند که در حداقل زمان ممکن دادگاه‌ها یا مراجع رسیدگی قضایی حکمیت و اداری یا آیین دادرسی برای بررسی سریع و جبران مناسب ضررهای ناشی از تصمیمات اداری که بر تجارت خدمات می‌گذارد به وجود آورند، مگر اینکه این اقدامات با ساختار موجود بر طبق قانون اساسی و یا طبیعت سیستم حقوقی آن کشور منافات داشته باشد (ماده ۶ بند ۳).

۶. تعهد دیگر کشورها این است که یک مقام مسئول کشور عضو به متقاضی دریافت جواز که برای عرضه یک خدمت خاص ضروری است و برای آن خدمت خاص پذیرفته شده است در یک مدت معقول بعد از تسلیم تقاضا نامه کامل جواب بدهد اطلاعات درباره وضعیت تقاضای متقاضی جواز بدون تاخیر حسب درخواست او داده خواهد شد (ماده ۶ بند ۳) تعهد اعضا ایجاب می‌کند که هر کشور آیین نامه لازم طرز کسب مجوز و تایید صلاحیت افراد حرفه‌ای را تنظیم نماید. (ماده ۶ بند ۶) مثلاً در صورتی که یک تبعه ایتالیایی بخواهد در کره جنوبی شرکت خدمات حمل و نقل دایر نماید، کره جنوبی باید نحوه اقدام برای کسب مجوز تاسیس شرکت حمل و نقل را مشخص نماید. همچنین طی مدت معقولی با توجه به فرایند اداری خود موافقت یا مخالفت با درخواست را به متقاضی اعلام کند. در صورتی که این کشور تقاضا را بدون اعلام نظر بگذارد مرتکب تخلف شده است. در صورت مخالفت با اعطای مجوز نیز این کشور باید علت رد تقاضا و یا حداقل موانع قانونی برای پذیرش آن را بیان کند.

۷. تایید صلاحیت مستقل و یا توافق شده جمعی این تعهد مربوط به تایید تحصیلات یا تجربه کسب شده احراز شرایط با جوازها و گواهینامه‌های اعطا شده در یک کشور خاص است. این تاییدیه‌ها ممکن است مبتنی بر قرارداد (یا ترتیبات مورد توافق) باشد یا بطور مستقل توسط یک عضو انجام شود. مثلاً در زمینه خدمات بهداشتی کشور الف می‌تواند دانشنامه‌های

صادره از یک دانشگاه خاص واقع در کشور ب را مساوی با احراز صلاحیت بدانند و مقرر کند افرادی که از آن دانشگاه دانشنامه کسب کنند برای ارائه خدمات پزشکی در کشور الف نیازی به تایید صلاحیت نخواهند داشت. اگر قراردادی در این زمینه منعقد می‌شود هر عضو باید ضمن اطلاع دادن فرصت کافی به سایر اعضا برای مذاکره الحاق خود به این نوع قرارداد (یا ترتیبات جمعی) با مذاکره درباره قراردادی مشابه بدهد. به عنوان مثال اگر کشور الف در مثال فوق با کشور ب قراردادی امضا نماید که به موجب آن دانشنامه‌های صادرة از دانشگاه مذکور در کشور الف بی‌قید و شرط رسمیت داشته باشد. سایر کشورها نیز می‌توانند تقاضا کنند تا آنها نیز به این قرارداد ملحق شوند یا اینکه کشور الف برای دانشگاه‌های همسطح آنها نیز چنین مقرره‌ای را در نظر گیرد همچنین فرصت کافی داده خواهد شد که هر عضو به یقین ثابت کند که تحصیلات تجربیات جوازها و گواهینامه‌های ثبت شده و یا الزامات مربوط در آن کشور باید توسط بقیه به رسمیت شناخته شود مثل اینکه کشوری با توجه به برتری مراکز علمی خود در سطح جهانی و به استناد اینکه خودش تعیین کننده استانداردهای جهانی در موضوعاتی خاص می‌باشد. تقاضا کند تا گواهینامه‌های صادرة از آن مراکز در سایر کشورها بدون قید و شرط به رسمیت شناخته شوند (ماده ۷ بند ۲).

۸. اطلاع دادن تشکیل انحصارات هر عضوی که انحصاری را ایجاد می‌نماید و یا حقوق عرضه انحصاری خدمات را اعطا می‌نماید مکلف است این امر را حداکثر سه ماه قبل از آغاز اعمال حقوق انحصاری به شورای تجارت خدمات اطلاع دهد. به عنوان مثال اگر چین در صنعت حمل و نقل ریلی خود ضمن قراردادی اجرای تمامی امور مربوط به این بخش را برای یک دوره سه ساله به ژاپن واگذار نماید و در واقع ژاپن عرضه کننده انحصاری خدمات حمل و نقل ریلی در چین گردد، دولت چین موظف است سه ماه قبل از آغاز اجرای قرارداد آن را اطلاع دهد (ماده ۸ بند ۴).

۹. اطلاع دادن وضع محدودیت بخاطر حفظ موازنه پرداختها وضع محدودیت حفظ محدودیت و یا هر نوع تغییر در محدودیت‌ها فوراً به شورای عمومی اطلاع داده خواهد شد. اعضای که چنین محدودیت‌هایی را اعمال مینمایند فوراً با کمیته محدودیت‌های موازنه پرداختها درباره محدودیت‌های وضع شده مشورت می‌نمایند به عنوان مثال اگر کشور مصر در پرداخت‌های خارجی خود دچار مشکل شود و به این دلیل تصمیم بگیرد از خروج ارز از قلمرواش جلوگیری نماید. این امر را باید به اطلاع کمیته محدودیت‌های موازنه پرداختها برساند. این کمیته ضرورت برقراری محدودیت را بررسی خواهد کرد (ماده ۱۲ بندهای ۴ و ۵).

۱۰. تعدیل و اصلاح جداول تعهدات ملی هر عضوی در هر زمان سه سال پس از آغاز لازم الاجرا شدن هر تعهدی می‌تواند تعهد قبول شده در جدول خود را تعدیل و یا پس بگیرد. این اقدامات باید به اطلاع شورای تجارت خدمات برسد (ماده ۲۱).
۱۱. بررسی مجدد معافیت‌های ماده ۲ (استثنائات اصل کامله‌الوداد): هر عضوی در پایان دوره هر نوع معافیت به اطلاع شورای تجارت خدمات می‌رساند که اقدام بر خلاف مقررات موافقت‌نامه خدمات پایان یافته و انطباق صورت پذیرفته است.

۴-۵- قلمرو اصل شفافیت در سیستم تجارت بین‌الملل

در نظام گات ۱۹۴۷ شاهد بروز و به کارگیری مناسبی از اصل شفافیت نیستیم، این اصل تنها در قالب ماده ۱۰. موافقتنامه این نهاد با عنوان «انتشار و اجرای مقررات تجاری» نمود یافته است (جکسون، ۲۰۱۵). این ماده در شکل اولیه گات ۱۹۴۷ مقرره مطرود و متروکی بود که حتی ۲۳ کشور امضا کننده این سند در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷ نیز، الزام آور بودن و قابلیت اعمال آن را باور

^۱ شایان ذکر است که در خلال سال‌های فعالیت گات (۱۹۹۵-۱۹۴۷) موافقتنامه‌های دیگری نیز وجود داشت که شفافیت را مدنظر قرار می‌داد، اما این موافقت‌نامه‌ها نسبت به تمامی اعضای متعاهد الزام آور نبوده و به طور کلی به مثابه یک تعهد خاموش (Silent Obligation) در نظر گرفته می‌شدند.

نداشتند (اوستری، ۲۰۱۲).^۱ با این حال، باید دانست که با توجه به شرایط خاص ایجاد و فعالیت این نهاد، به عنوان پدیداری نوپا، عملاً امکان پرداختن به موضوعاتی مانند شفافیت برای آن میسر نبود. در واقع عدم تمسک به شفافیت در قالب اولیه گات ۱۹۴۷ را می‌توان در ماهیت موقتی و ضعف ساختاری آن جستجو نمود. در هر صورت، در پی مذاکرات گسترده‌ای که در قالب این نهاد صورت گرفت، به تدریج مجموعه‌ای از مقررات تجاری مورد پذیرش کشورهای متعاقد ایجاد شد و سبب ساز ایجاد «سازمان تجارت جهانی» در اول ژانویه ۱۹۹۵ گردید. برخلاف گات ۱۹۴۷، که تنها در بردارنده کلیاتی در رابطه شفافیت بود که هیچگاه به شکل موثر و واقعی در قالب این نهاد امکان تحقق نیافت در قالب سیستم «سازمان تجارت جهانی» شفافیت به شکل گسترده‌ای امکان تحقق و نقش آفرینی یافته است، به نحوی که در سراسر توافقات «سازمان جهانی تجارت»، ضوابطی وجود دارد که در بردارنده تعهدات مربوط به شفافیت است. در ادامه این نوشته به نحو محدودیت تعدادی از آنها را مدنظر قرار خواهیم داد.

۸- سطح‌ها (نسل‌های) مختلف شفافیت در سازمان تجارت جهانی

به منظور اشاره به دوره‌های تکامل سیاست‌های شفافیت در اقتصادهای توسعه یافته، اصطلاح «نسل اول، دوم و سوم» شفافیت را به کار می‌گیرند (ویل دیوید، ۲۰۱۵). در این سیاق، نسل اول به معنای ظهور سیاستهای «دولت باز»^۲ (لاتراپ، ۲۰۱۰) یا «حق بر دانستن»، نسل دوم مقرره افشا سازی و نسل سوم در معنای «دولت الکترونیک»^۳ (میاشدوالفی، ۲۰۱۳). هنگامی که این رویکرد به منظور تحلیل شفافیت در سیستم تجارت جهانی به کار گرفته می‌شود، نسل اول به سیاست‌های حاکم بر اطلاعات در ۱۹۴۷ به نحوی که از سال ۱۹۴۷ تکامل یافته است اشاره دارد؛ حال آن که نسل دوم به مکانیزم مراقبت و نظارت اشاره دارد که بعد از دور توکیو و از سال ۱۹۷۹ به بعد شکل گرفته و در دور اروگوئه به کمال رسیده و در سال ۱۹۹۵ منجر به تشکیل سازمان تجارت جهانی گردید^۴ (رزوئل، ۲۰۱۶).

– سطح (نسل) اول شفافیت در سازمان تجارت جهانی

اولین نسل از شفافیت در سیستم تجارت بین‌المللی که از آن با عنوان «اصل حق بر دانستن»^۴ یاد می‌شود، پیرامون تعهدات دولت در شفافیت خط مشی تجاری خود است. در صورتی که خط مشی‌های تجاری یک کشور دارای شفافیت نباشد، از سویی

^۱ شایان توجه است که در جریان مذاکراتی که در خصوص گات ۱۹۴۷ صورت گرفته، هیچکدام از اعضای شرکت کننده، در خصوص اهمیت یا گمنامی و عدم امکان استفاده از ماده ۱۰ سخنی به میان نیاورده است. در واقع، همانطور که مقام ارشد مذاکره کننده کانادایی در آن زمان بیان داشته، نظر اعضای گات درباره این ماده این بوده است که: «ماده ۱۰ شامل هیچگونه مقرره ماهویی الزام آوری نبوده و نسبت به آن نگرانی خاصی وجود ندارد.

^۲ دولت باز یکی از دکتترین‌های حکمرانی است که بیان می‌دارد شهروندان حق دسترسی به مدارک و رویه‌های دولتی را دارند تا بتوانند بر بخش عمومی نظارت داشته باشند. به صورت کلی این دکتترین بر مقابله با استدلال‌های دیگر دولت برای مشروعیت بخشی به محرمانگی فزاینده عملکرد دولت استوار است.

^۳ شایان ذکر است که در اسناد رسمی سازمان تجارت جهانی، این طبقه بندی از شفافیت وجود نداشته و سطح بندی انجام شده، بر اساس دکتترین موجود مدنظر قرار گرفته است. جالب اینکه در خصوص مصداق‌های این طبقه بندی سه گانه اجماع نظری وجود ندارد. مواردی که در نوشتار حاضر به عنوان نمونه در قالب هریک از نسل‌های سه گانه شفافیت در سازمان تجارت جهانی آورده می‌شود، با توجه به ابزارهای در نظر گرفته شده از سوی سازمان تجارت جهانی برای اعمال شفافیت بوده و ممکن است در بعضی از موارد، میان جایگاه مصادیق ذکر شده همپوشانی وجود داشته باشد.

^۴ Right to know Principle.

بازیگران تجاری خارجی نمی‌توانند از تعرفه‌ها و قواعدی که بر آنها اعمال می‌شود، اطلاع یابند و از سوی دیگر، دولتهای عضو یک موافقت‌نامه تجاری قادر به ارزیابی نحوه اجرای تعهدات تجاری شرکای خود نخواهند بود (مانوئلا، ۲۰۱۴). از جمله تعهداتی که به واسطه نسل اول شفافیت (حق بر دانستن) بر عهده کشورها قرار دارد به این قرار است:

۱. انتشار همه تعهدات بین‌المللی مرتبط با تجارت، (به عنوان مثال تعهدات دوجانبه)^۲
۲. انتشار تمامی ضوابط و مقررات داخلی مرتبط با تجارت^۳
۳. ایجاد مراکز پاسخگویی و استفسار جهت اخذ اطلاعات پیرامون مقررات داخلی
۴. ایجاد مراجع قضائی، اداری، یا مراجع خاص (با توجه به سیستم داخلی) جهت بررسی مجدد و اصلاح اقدامات اداری مربوط به تجارت مانند مسائل گمرکی^۴

۳-۵-۲- سطح (نسل) دوم شفافیت در سازمان جهانی تجارت

از آنجا که براساس نسل اول شفافیت، شفاف‌سازی‌هایی که از جانب خود دولت‌ها و بدون بحث و ارزیابی نظرات سایر فعالان عرصه تجارت بین‌الملل ارائه می‌شد، به شکل مطلوب و کارآمد واقع نگردید و لذا شاهد ایجاد نسل دوم شفافیت در سازمان تجارت جهانی هستیم که از آن با عنوان نظارت و مراقبت نیز یاد می‌شود.

در این الگو، نظارت^۵ به معنای هرگونه فعالیتی است که اعضا جهت بررسی وضعیت یکدیگر در خصوص اعمال موافقتنامه‌ها به انجام می‌رسانند و مراقبت بر این موضوع تأکید دارد که آیا دولت‌ها، اسباب قانونی لازم جهت تبدیل موافقتنامه‌ها به قانون داخلی را فراهم آورده‌اند. همچنین آیا این قوانین از الزام مناسب برخوردار می‌باشند یا خیر نیز در این نسل مطرح گردیده است. در واقع نسل دوم شفافیت در سازمان تجارت جهانی، عبارت است از: مجموعه‌ای از ابزارها که جهت نظارت و مراقبت از اعمال صحیح نسل اول و ضوابط شفافیت به کار برده می‌شود. این ابزارها بیشتر در قالب «مکانیزم بررسی خط مشی تجاری دولت‌ها» اعمال می‌گردند که بر اساس «موافقتنامه مکانیزم بررسی خط مشی تجاری» که ضمیمه سوم، اساسنامه سازمان تجارت جهانی می‌باشد ایجاد شده است^۶ (گاش، ۲۰۱۰). کارکرد اصلی این مکانیزم، دستیابی به شفافیت بیشتر رویه‌ها و خط مشی‌های تجاری اعضای سازمان تجارت جهانی، از طریق نظارت و مراقبت است^۷. مکانیزم بررسی خط مشی تجاری برخلاف مکانیزم حل و فصل اختلافات به دنبال ایجاد مبنایی برای اعمال تعهدات یا حل و فصل اختلافات رویه‌ای یا اجبار اعضا بر

^۱ GATT Article II; GATS Article XX.

^۲ GATT Article X; GATS Article III: 1 TRIPS Article 63.

^۳ SPS; TBT; GATS Article III: 4.

^۴ GATT Article X; GATS Telecoms reference paper; Agreement on Government Procurement, Articles XVIII and XIX.

^۵ Monitoring

^۶ مکانیزم بررسی خط مشی تجاری، نخستین مکانیزم نظارتی نهادینه شده و دائمی در سیستم گات و تجارت جهانی است. این مکانیزم که در جریان دور اروگوئه در ۱۹۸۹ شکل گرفت، جانشین «فرایند بررسی خط مشی تجاری» "Trade Policy Review Process"، گردید که بر اساس گات ۱۹۴۷، ایجاد شده بود. پیش از لازم الاجرا شدن موافقتنامه سازمان تجارت جهانی، مبنای حقوقی مکانیزم بررسی، تصمیم شورای گات ۱۹۴۷ بود و بررسی‌ها نیز تنها توسط این شورا انجام می‌گرفت.

^۷ TPRM Agreement, para. A(i)

اعمال رویه‌ای جدید نبوده و مکانیزمی داوطلبانه است که در آن سیستم حقوقی سیاسی اعضا همواره مدنظر قرار می‌گیرد.^۱ به عبارت دیگر مکانیزم بررسی خط مشی تجاری به عنوان یک «سیستم بررسی همتایان»^۴ عمل می‌کند که در آن عضو مورد بررسی از طرف سایر اعضا یعنی از طریق انتشار گزارشهای مرتبط، سوالات مطرح شده از سوی اعضا و پاسخهای عضو مورد بررسی تحت فشار قرار می‌گیرد^۲ و هدف آن تشویق اعضا به تغییر، توسعه خط مشی تجاری و اعمال آن، همچنین تبعیت از تعهدات سازمان تجارت جهانی است (ذاکری، ۱۳۹۲).

- سطح (نسل) سوم شفافیت در سازمان جهانی تجارت

به دنبال ایجاد نسل اول و دوم شفافیت این موضوع مطرح شد که علیرغم ایجاد اطلاعات تجاری، در سازمان تجارت جهانی، کشورهای کوچک و کمتر توسعه یافته، که بخش عظیمی از اعضای سازمان را تشکیل می‌دادند عملاً به واسطه فقدان امکان تحلیل اطلاعات یا مشارکت در مکانیزم نظارت و مراقبت از شفافیت ایجاد شده، بی‌بهره مانده‌اند^۳ (گاش، ۲۰۱۰). به همین دلیل بود که نسل سوم شفافیت در سازمان تجارت جهانی ظهور کرد. با اندکی اغماض می‌توان این نسل از شفافیت را مرتبط با نحوه مدیریت اطلاعات دانست، بدین منظور که اطلاعات به روش جدیدی جمع آوری شده و به شکل مناسب تری ارائه گردد. به عبارت دیگر نسل سوم شفافیت به جای تولید اطلاعات، بیشتر بر مخابره اطلاعات و دسته بندی آنها برای ذینفعان، تکیه دارد.

اعمال این نوع از شفافیت که از آن با عنوان «شفافیت مشترک»^۵ نیز یاد می‌شود، نیازمند اقدامات و اصلاحاتی در دو سطح؛ داخل ساختار سازمان تجارت جهانی و خارج از ساختار سازمان تجارت جهانی است. اقدام به اصلاحات در داخل سازمان بدین جهت که تصمیم گیری‌ها از طریق فرایند فراگیری صورت گیرد، به نحوی که همه اعضا بتوانند به طور واقعی در آنها مشارکت نمایند. لازمه این امر، این است که اطلاعات به نحوی ارائه گردد که تمامی اعضا بتوانند آن را مورد استفاده قرار دهند. زیرا اگر کشورهای در حال توسعه، به این توانایی دست یابند که اطلاعات ایجاد شده توسط مکانیزم شفافیت را، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند، هم اجرای موافقتنامه‌های موجود و هم مذاکرات جدید، به میزان زیادی تحت تاثیر قرار گرفته و به نحو مناسب تری انجام خواهد شد. از جمله اقداماتی که جهت افزایش شفافیت داخلی در سازمان جهانی تجارت صورت گرفته است عبارت است از: «اصلاح ضوابط شکلی تشکیل کمیته‌ها و نحوه انجام مذاکرات»^۶، گزارش‌های تشریحی در خصوص «نگرانی‌های تجاری خاص STC» پیرامون «موانع فنی راه تجارت و بهداشتی و بهداشت نباتی، ایجاد پایگاه داده قابل جستجو

^۱ Annex III, Trade Policy Review Mechanism, B. Domestic Transparency

^۲ Xiankun Lu, "Reflections and Recommendations on the WTO's Trade Policy Review Mechanism", Published on December 12, 2015. [linkedin.com/pulse/reflections-recommendations-wtos-trade-policy-reviewmechanism](https://www.linkedin.com/pulse/reflections-recommendations-wtos-trade-policy-reviewmechanism)

^۳ شایان ذکر است که علاوه بر این موضوع، عدم امکان استفاده کشورهای در حال توسعه کوچک و کمتر توسعه یافته از شفافیت نسل اول و دوم، در سازمان تجارت جهانی، که مهمترین عامل ایجاد نسل سوم شفافیت در سازمان تجارت جهانی است، ایجاد این نسل از شفافیت را باید به انتقادات مربوط به فقدان مشروعیت دموکراتیک در سازمان تجارت جهانی، نیز مرتبط دانست. این انتقادات مخصوصاً به طور خاص به عدم امکان مشارکت مستقیم سازمان‌های مردم نهاد NGOs در سازمان تجارت جهانی، و ماهیت و شکل اطلاعات که به نحوی است که این سازمان‌ها امکان استفاده از آن را ندارند اشاره داشتند.

^۴ Collaborative Transparency.

^۵ به عنوان نمونه در مارس ۲۰۰۱ اصول راهنما و آیینی جهت مذاکره در خصوص تجارت خدمات ایجاد شد.

https://www.wto.org/english/tratop_e/serv_e/s_negs_e.htm. (Last visited on: 03/04/2015) 2 technical barriers to trade.

از اسناد، سوالات و پاسخ‌های مطرح شده در خصوص تجارت محصولات کشاورزی، انتشار مشروح سوالات و جواب‌های مطرح شده «پیرامون «سوسبیدها و اقدامات جبرانی و فرایندهای صدور مجوز واردات» (اورفیک، ۲۰۱۵).

اقدامات و اصلاحاتی که باید در خارج از سازمان صورت گیرد در جهت ایجاد امکان سیاست‌گذاری‌های مناسب‌تر در کشورها است. به منظور دسترسی به این هدف لازم است تا علاوه بر فعالان تجاری، شهروندان نیز امکان اطلاع و مشارکت یابند. به عبارت دیگر، با کمی اغماض، می‌توان گفت که این رویکرد نیازمند ایجاد شفافیت خارجی_ یعنی فرایند فعال دریافت اطلاعات از فعالان اقتصادی و مشورت و هم‌اندیشی با شهروندان است، که به نوبه خود بسیار دشوارتر از ایجاد شفافیت در ساختار داخلی سازمان جهانی تجارت است. باید توجه داشت که ایجاد شفافیت خارجی در سیاق سازمان جهانی تجارت، مبنایی داوطلبانه دارد و با توجه به سیستم حقوقی و سیاسی کشورها صورت می‌پذیرد، این امکان برای سازمان وجود ندارد که جهت تحقق این سطح از شفافیت به اقداماتی متوسل شود که دخالت در امور داخلی کشورها تلقی گردد.

۹- اصل شفافیت در رویه نهادهای حل و فصل اختلاف گات ۱۹۴۷

چنان که اشاره شد، در خلال سال‌های فعالیت گات ۱۹۴۷ (۱۹۴۷-۱۹۹۴) شاهد بهره‌گیری مؤثری از اصل شفافیت نبوده‌ایم. این اصل در قالب ماده ۱۰ گات ۱۹۴۷، صرفاً جنبهٔ اعلامی داشته و هیچگونه ابزاری جهت اعمال مؤثر آن پیش‌بینی نشده بود. در نهاد حل اختلاف گات ۱۹۴۷، این ماده، هیچ‌گاه، امکان اعمال واقعی و مؤثر نیافت. هرگاه قضیه‌ای با تکیه بر این ماده، نزد هیئت داوری این سازمان مطرح می‌شد به عنوان موضوعی فرعی، کنار گذاشته می‌شد (علائی، ۲۰۱۷). عدم توجه یا حداقل موفقیت آمیز نبودن تمسک به شفافیت در قالب گات ۱۹۴۷ را باید ناشی از این دانست که، با توجه به شرایط خاص ایجاد و فعالیت امکان پرداختن به موضوعاتی مانند شفافیت برای این نهاد میسر نبوده است. در واقع عدم تمسک به شفافیت در قالب اولیه گات ۱۹۴۷ را می‌توان در ماهیت موقتی و ضعف ساختاری آن جستجو نمود؛ از جمله اینکه مرجع حل و فصل اختلاف دائمی و مستقلی در قالب گات ۱۹۴۷ پیش‌بینی نشده بود و شیوه اصلی حل و فصل اختلافات در این نهاد، بر اساس ماده ۲۲ «مشورت» بود (پیلتن، ۱۳۹۱). اما بر اساس رویه‌های بعدی، در چارچوب گات (۱۹۴۷)، هیئت داوری متشکل از ۳ یا ۵ نفر کارشناس مستقل تشکیل شد و در خصوص موضوعات مورد اختلاف، از جمله ادعاهایی که در خصوص نقض ضوابط شفافیت مطرح گشت، اعلام نظر نمود.^۳

در تمام دوران فعالیت گات (از ۱۹۴۷ تا ۱۹۹۴)، تنها ۹ تصمیم از تصمیمات هیئت داوری گات ۱۹۴۷ دارای ادعایی پیرامون شفافیت بود، که تقریباً در همگی آنها ایالات متحده آمریکا یکی از طرفین اختلاف بوده است.^۴ اولین توجه به ماده ۱۰ گات ۱۹۴۷ در چارچوب حل و فصل اختلافات تجاری، به سال ۱۹۸۴ باز می‌گردد.^۵ نخستین قضیه‌های دارای ادعای شفافیت در نظام حل و فصل اختلافات گات ۱۹۴۷، همگی از جانب ایالات متحده آمریکا، و علیه ژاپن بوده است. ایالات متحده ادعا کرد سیستم راهنمای اداری که از سوی ژاپن به منظور اعمال خط مشی تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد، به نحوی «مبهم و

^۱ علاوه بر این شیوه یک شیوه تکمیلی نیز وجود داشت، بدین معنا که چنانچه از طریق مذاکره و مشورت اختلافات مرتفع نمی‌شد، موضوع اختلاف به طرف‌های متعاقد ارجاع داده می‌شد و آنها مکلف به رسیدگی فوری موضوع بودند. لازم به ذکر است، گات مرجع مشخصی برای این رسیدگی تعیین نمی‌کرد و آن را صرفاً به عهده «طرف‌های متعاقد» گذاشته بود.

^۲ GATT Panel Report, Japan – Trade in Semi-Conductors, L/6309(Mar. 24, 1988); GATT Panel Report, Japan – Restrictions on Imports of Certain Agricultural Products, L/6253(Nov. 18, 1987); GATT Panel on Japanese Measures on Imports of Leather, L/5623(Mar. 2, 1984).

محرمانه» طراحی شده است که از سویی بر اقدامات تجار ژاپنی تأثیر گذار بوده و از سویی سبب ساز ترجیح مصرف کنندگان بر استفاده از کالاهای داخلی می‌گردد. در تمامی این قضایا، ارجاع به شفافیت و اجرای قانون (مانند انتشار فوری و مناسب) از نظر هیئت‌های گات در مقایسه با تعهدات ماهوی تری مانند «مقررات دسترسی به بازار ماده‌های ۲ و بند ۱ ماده ۱۱ و «اصل عدم تبعیض ماده ۱ و ۳» به عنوان تعهدات فرعی در نظر گرفته شد. در قضایای بسیاری، این مسئله که آیا اقدامی موافق با مقررات ماده ۱۰ گات صورت گرفته است یا نه، به کلی و حتی بدون بحث رد شده^۱ و استدلال می‌گردید: «هنگامی که اقدامی ماهیتاً از موانع تجاری قلمداد شود، ضرورتی وجود ندارد، که به نحوه اعمال و اجرای آن توجیهی صورت گیرد» (علائی، ۲۰۱۷).

۱۰- شفافیت در رویه مرجع حل اختلاف سازمان جهانی تجارت

رویکرد جدید سازمان تجارت جهانی نسبت به اصل شفافیت و در نظر گرفتن این اصل به عنوان یکی از اصول مهم موافقت‌نامه‌های این سازمان، سبب ساز تغییر رویکرد اعضا به شفافیت و توسل به این اصل به عنوان مبنایی جهت طرح دعوا در نهادهای حل و فصل اختلاف سازمان گردید. نمونه این گرایش را می‌توان در افزایش توسل به ماده ۱۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) ۱۹۹۴ در چارچوب سیستم حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی دانست. از زمان تشکیل سازمان تجارت جهانی، بیش از ۲۰ قضیه با ادعای نقض ماده ۱۰ گات ۱۹۹۴ مطرح گردیده است (پیلتن، ۱۳۹۱).

تنوع گسترده‌ای از کشورها با سطوح مختلفی از توسعه اقتصادی از جمله: آرژانتین، استرالیا، برزیل، شیلی، کاستاریکا، اکوادور، گواتمالا، هندوراس، هندوستان، اندونزی، کره، مکزیک، تایلند، ترکیه و ایالات متحده آمریکا، در سیستم حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی، ادعاهایی را در خصوص نقض مقررات ماده ۱۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) ۱۹۹۴ مطرح کرده اند. این تنوع نشان‌دهنده رشد اجماع میان اعضا در این خصوص است که اهداف سازمان، بدون شفافیت در اجرای ضوابط قابل دسترسی نیست.

علاوه بر ضوابط ماده ۱۰ گات ۱۹۹۴، که حاوی مقررات کلی در رابطه با شفافیت است، سایر موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی که دارای اصول مرتبط با شفافیت هستند نیز، در رویه نهادهای حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، مدنظر قرار گرفته است. در خصوص امکان به کارگیری ضوابط کلی شفافیت گات ۱۹۹۴ یا ضوابط خاص شفافیت مندرج در سایر موافقتنامه‌ها، به صورت اجمالی می‌توان بیان داشت که هرچند نهادهای حل اختلاف در مواردی هر دو این ضوابط را قابل اعمال دانسته اند،^۲ اما رویکرد کلی این نهادها این است که اعمال ضوابط شفافیت مندرج در سایر موافقتنامه‌ها را که دارای جزئیات بیشتری هستند بر ماده ۱۰ گات ۱۹۹۴ ترجیح می‌دهند.^۳

رویکرد نهادهای حل اختلاف در عدم تمایل به ضوابط کلی شفافیت و پرداختن به ضوابطی که به صورت جزئی و در حوزه‌ای خاص، شفافیت را مدنظر قرار می‌دهند، باید در سیاق کلی و همسو با سایر جهت‌گیری‌های سازمان تجارت جهانی دنبال شود. پرداختن به ضوابطی که در حوزه‌ای خاص با جزئیات بیشتری مسئله شفافیت را مدنظر قرار می‌دهند این امکان را برای

^۱ GATT Panel Report, Japanese Measures on Imports of leather (Japan – Leather II (US)) L/5623, Adopted on 15 May 1984.

^۲ WTO Appellate Body Report, United States – Underwear, op. cit.

^۳ WTO Appellate Body Report, United States – Anti-Dumping Measures on Certain Hot-Rolled Steel Products from Japan (US – Hot-Rolled Steel), WT/DS184/AB/R, Adopted on 23 August 2001.

نهاد حل اختلاف فراهم می‌آورد تا تفسیر دقیقتری از شفافیت ارائه نماید و از آنجا که این تفاسیر در حوزه خاصی از تجارت مطرح می‌شود با مقبولیت بیشتری روبرو می‌گردد. به طور کلی می‌توان گفت؛ علاوه بر این که این نهادها تمایل دارند از صدور آرای جنجال برانگیز و پر سر و صدا خودداری نمایند، سعی دارند توسعه تدریجی رویه قضائی به نحوی باشد که به تدریج این امکان برای هیئت‌ها و نهادهای استیناف فراهم آید که گسترش اختیارات تجاری را به نحوی هدایت کنند که از قلمرو سنتی گات و آزادسازی تجارت فراتر رفته و حکمرانی مطلوب در چارچوب سیستم داخلی کشورها را نیز دربر گیرد (استیگر، ۲۰۱۷).^۱ به عبارت دیگر زمینه اعمال نسل سوم شفافیت که هنوز امکان اعمال آن از طریق سایر نهادهای سازمان تجارت به وجود نیامده است را، در سطح خارج از سازمان و در عرصه داخلی کشورها فراهم آورند.

نتیجه‌گیری

شفافیت همواره به عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان حکمرانی خوب و ابزار مبارزه با فساد دولتی و همچنین آگاهی هرچه بیشتر مردم و نهادهای غیر دولتی از تصمیم‌گیریها، سیاست‌گذاریها و نحوه اجرای آنها توسط دولت مردان در لایه‌های مختلف حکمرانی مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان واقع گردیده است. به همین دلیل تعاریف و مولفه‌های فراوانی برای آن بیان گردیده است. در این میان وضوح در قراردادهای اداری، به دلیل ماهیت استراتژیک و اقتصادی این امر، چهره‌ای متفاوت خواهد داشت. شفافیت قراردادهای اداری، گاه در مفهوم شفافیت قراردادها برای سایر نهادهای ذیصلاح حکومتی در جهت نظارت و پاسخگویی متقابل در کلیه مراحل شناسایی، واگذاری، انعقاد، اجرا و تسویه مالی قراردادهای اداری تعبیر می‌گردد و گاه به عنوان عاملی در روابط حقوقی، مالی، تجاری و اجرایی فی مابین طرفین قرارداد در راستای جلوگیری از بروز اختلافات ناشی از تفسیر متفاوت قرارداد توسط طرفین و پیشگیری از بروز ابهامات احتمالی در نقاط کور قراردادی تجلی پیدا می‌کند. بدیهی است تحدید مرزهای شفافیت باید به گونه‌ای باشد که نه تنها مانع ارتقاء عملکرد و چالاکي نگردد بلکه میان منافع عمومی کشور و منافع خصوصی در راستای حفظ مفاد محرمانه قراردادهای تجاری و حفظ اصول رقابتی تعادل برقرار نماید.

بدین جهت، در قالب سازمان تجارت جهانی، نه تنها به سطح ابتدایی شفافیت یعنی: «تعهد اعضا در خصوص شفاف سازی خط مشی تجاری خود» اکتفا نشده است. بلکه در این سیاق، با تکامل ضوابط شفافیت، دومین سطح از تعهدات جهت تحقق این اصل پدیده آمده و در قالب آن مکانیزمی دائمی برای مراقبت و نظارت بر نحوه اعمال این اصل، پیش بینی گردیده است.

شفافیت در سطح نهایی خود، به نحوی کمال می‌یابد که به عنوان مبنایی جهت تغییر در ساختار این سازمان مدنظر قرار گرفته و این امکان را فراهم آورده تا بر اساس آن تلاش‌هایی جهت اصلاح فرایندهای ایجاد خط مشی‌های تجاری در سیستم داخلی اعضا، انجام گیرد. رویه نهادهای حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی در خصوص شفافیت نیز همسو با رویکرد کلی سازمان تجارت جهانی تلقی می‌شود. برخلاف رویه نهاد حل اختلاف گات ۱۹۴۷ که شفافیت در آن، تنها به عنوان عاملی فرعی در نظر گرفته می‌شد، و هیچ گاه امکان تحقق آن فراهم نیامد. رویه نهاد حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی، اصل

^۱ همانگونه که پروفیسور استیگر می‌گوید: اختیارات و هدف سازمان تجارت جهانی هنوز واضح و مشخص نیست. دامنه اختیارات سیستم گات این بود که فرایند آزادسازی تجارت دنبال شود... مقدمه گات ۱۹۴۷ بازگو کننده این اهداف بود. مقدمه توافقنامه «سازمان تجارت جهانی» بسیار گسترده‌تر است و شامل اهداف پایداری محیط زیست، توسعه و... می‌گردد... اما آنها هنوز به بخشی از باورهای پذیرفته شده یا فرهنگ سازمان تجارت جهانی تبدیل نشده تا توسط اعضای آن درک و فهم شود. بنابراین میان آنچه مقدمه سازمان تجارت جهانی آن را اهداف سازمان معرفی می‌نماید و درکی اعضا از آن دارند تفاوت وجود دارد.

شفافیت را به عنوان یکی از اصول بنیادین سازمان مورد تأیید قرار داده، و سبب ساز آن گردیده که دامنه وسیعی از اعضا با سطوح مختلف توسعه یافتگی، نسبت به شفافیت، به عنوان قاعده‌ای که نقض آن می‌تواند منجر به ایجاد حق رجوع به مراجع حل اختلاف گردد، توجه نشان دهند. بررسی رویه نهادهای حل اختلاف در خصوص شفافیت نشان می‌دهد که این نهادها از سیاق ابتدایی و مضیق ضوابط شفافیت فراتر رفته و با استفاده از تفاسیری که در این نهادها صورت می‌گیرد، سعی کنند شفافیت را به عنوان مبنایی جهت توسعه تدریجی رویه قضائی به نحوی مورد تفسیر قرار دهد، که امکان حرکت به سوی تحقق حکمرانی مطلوب در چارچوب داخلی اعضا فراهم آید.

بررسی‌های انجام گرفته ما را به این موضوع رهنمون می‌سازد که سازمان تجارت جهانی رویکرد توسعه محوری نسبت به اصل شفافیت داشته است و در این سیاق شفافیت را به عنوان یک اصل حقوقی لازم الاجرا، مبدل به مرکز ثقل تمامی فعالیت‌های سازمان نموده است. این اقدام سبب ساز توسعه و تکامل شفافیت و ایجاد ابزارها و راهکارهای گوناگونی جهت اعمال آن گردیده است به نحوی که رویکرد سازمان تجارت جهانی به اصل شفافیت را باید عامل اصلی اصلاحات ساختاری در این سازمان تلقی نمود. با توجه به رویکرد سازمان تجارت جهانی نسبت به شفافیت، چشم انداز تکاملی اصل شفافیت در این سیاق را می‌توان پیرامون اصلاحاتی خارج از سازمان و در قالب سیستم داخلی اعضا در جهت کمک به تحقق لیبرالیسم و دموکراسی، یا به عبارتی تحقق حکمرانی مطلوب، دانست و بارقه‌های اولیه آن را می‌توان در پیدایش اندیشه‌های ایجاد اصلاحات در سطح خارجی سازمان و همچنین در گرایش‌های رویه‌ای و تفاسیر توسعه گرایانه نهاد حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی مشاهده کرد. در همین راستا می‌توان به سند برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به عنوان یک نمونه شهودی در عرصه بین‌المللی اشاره نمود که از فقدان شفافیت، رنج می‌برد. کارشناسان و صاحب نظران با توجه به عملکرد ایران و ۱۰۵ موضوعات مختلف و گوناگونی را در رابطه با اجرای برجام بیان کردند. اولاً: از آنجا که پذیرش مذاکرات از سوی ایران اساساً با هدف لغو تحریم‌های ظالمانه‌ی اقتصادی و مالی صورت گرفته بود و اجرائی شدن آن در برجام به بعد از اقدام‌های ایران موکول گردید، لازم بود تضمین‌های قوی و کافی برای جلوگیری از تخلف طرف‌های مقابل، تدارک دیده می‌شد، که از جمله‌ی آن اعلام کتبی رئیس‌جمهور آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا مبنی بر لغو تحریم‌ها باید می‌بود. در اعلام اتحادیه‌ی اروپا و رئیس‌جمهور آمریکا، باید تصریح می‌شد که این تحریم‌ها بکلی برداشته شود. لذا می‌توان گفت که عدم توجه کافی به این موارد موجب شد تا آمریکا و متحدان آن از این خلاء توجهی ایران به مفاد برجام سوءاستفاده و در ابتدا به صورت یکطرفه از برجام خارج گردیده و آن را نقض نمایند. اما اگر همه موارد شفاف و ضمانت اجرا می‌داشت و الزاماتی نیز بر آن مستولی می‌گشت، این مسئله تصویر بهتری برای آینده ایران می‌توانست به همراه داشته باشد.

منابع فارسی

- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۱). حقوق تجارت بین‌الملل. ویراست ۲. تهران. نشر سمت.
- ادیب، محمد حسین، سازمان تجارت جهانی نمایی خودمانی، صنایع پلاستیک، شماره ۱۶۹، خرداد ۱۳۸۱.
- بهکیش، محمد مهدی، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، چاپ دوم، تهران: ققنوس، ۱۳۸۱.
- بیدرام، رسول، همگام با اقتصاد سنجی، چاپ اول، تهران: منشور بهروروی، ۱۳۸۱.
- پاکدامن، رضا، رفتار ویژه با کشورهای در حال توسعه در نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- حبیبی، فاتح، تصریح و تخمین مدل تقاضای توریسم ایران با استفاده از Pooling data پایان نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

دبیرخانه آنکتاد، چگونگی الحاق به سازمان تجارت جهانی، مترجمان ابوالقاسم بنیات و دیگران، چاپ اول، تهران: چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۱.

رشیدی، ع، عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی تحلیلی از نظرات موافق و مخالف، اتاق بازرگانی، شماره ۱۱. رضا زاده، بهرام، تنگناهای رقابتی کشور در پیوستن به سازمان تجارت جهانی و استراتژیهای مؤثر، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۰، بهار و تابستان ۸۰.

سر افراز، لیلا، بررسی موانع قانونی پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی با نگرشی بر سیاستهای بازرگانی موجود در زمینه ماشینها و دستگاههای برقی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۷۸-۱۷۷، خرداد و تیر ۱۳۸۱. سوادیان، ه، بررسی تأثیر پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی بر صادرات صنایع نساجی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.

صادقیان، علی، چشم انداز دور جدید مذاکرات تجاری چند جانبه، مجله اقتصادی، دور دوم، سال اول، صص ۴۰-۳۷. کمیجانی، اکبر، ۱۳۹۲، تحلیلی پیرامون تجارت و تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به سازمان تجارت جهانی و آثار اقتصادی الحاق ایران به آن، وزارت امور اقتصادی و دارایی. کمیجانی، اکبر، ۱۳۹۱، نگاهی اجمالی به شکل گیری سازمان تجارت جهانی و تحلیلی از جنبه های حقوقی و اقتصادی ناشی از الحاق ایران به WTO، پژوهشها و سیاستهای اقتصادی.

محقق زاده، فاطمه، تحلیل تفصیلی آثارالحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر روی صنعت بیمه کشور، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی و تحلیل سیستمهای اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۲. اخلاقی، بهروز، (۱۳۹۲). بررسی ماهیت حقوقی بیع متقابل نفتی ایران و سازگاری آن با پیمان منشور انرژی. مطالعات حقوق خصوصی، سال چهل و سوم، شماره ۳ رتبه علمی-پژوهشی (وزارت علوم/ISC).

پیلتن، فرزاد، رژیم حقوقی حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۹، ۱۳۹۵. ذاکری، مهدی، نظارت در سازمان جهانی تجارت: مکانیزم بررسی خط مشی تجاری، مجله تحقیقات حقوقی، بهار ۱۳۹۲، شماره ۶، ۱۳۹۲.

شیروی، عبدالحسین، فرحان جم، مهسا، (۱۳۹۸). قیمت گذاری دوگانه انرژی در رویه سازمان جهانی تجارت. نشریه مطالعات حقوقی، شماره ۱، ۱۳۹۸. ضیایی بیگدلی، صادق، صلحی، موانع فنی تجارت خارجی در ایران در پرتو حقوق سازمان تجارت جهانی. پژوهش حقوق عمومی، ۲۱(۶۶)، ۱۸۱-۲۱۱، ۲۰۲۰.

کدخدایی، عباسعلی، صادقی فراهانی، محمد، لهراسی، امیر، چالش نظام حقوقی ایران در مواجهه با آثار قهری معاهدات بین المللی و عدم ترتب اثر حق شرط در آنها. فصلنامه دانش حقوق عمومی. سال دوازدهم. شماره ۴، ۱۴۰۲. محمد جعفر قنبری جهرمی، محمد علی زمانی، رویکرد سازمان تجارت جهانی نسبت به اصل شفافیت. تحقیقات حقوقی، ۲۰۱۷. وزارت امور اقتصادی و دارایی، «تحلیلی پیرامون تجارت، تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به گات و آثار اقتصادی الحاق ایران به آن»، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، راهنمای تجاری دور اروگوئه، ۱۳۷۴.

نصیری، م، بررسی الزامات الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی در بخش خدمات بیمه، مقاله ارائه شده در همایش «راهبرد توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و عضویت در سازمان تجارت»، ۱۳۸۲.

دبیرخانه آنکتاد، نمایندگی تام الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، چگونگی الحاق به سازمان تجارت جهانی، ۱۳۸۱. رشیدی، ع، عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی تحلیلی از نظرات موافق و مخالف، اتاق بازرگانی، شماره ۱۱، سال ۱۳۷۴.

سوادیان، ه، بررسی تأثیر یوستن ایران به سازمان تجارت جهانی بر صادرات محصولات صنایع نساجی ایران، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۹

شماره ۵۲،

دوره ۱۲،

سال پنجم،

بهار ۱۴۰۳،

صص ۱۹-۱

آزمایش، علی.. آیین دادرسی بین‌المللی. دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۴
Banlaoi, Rommelc. "The Role of Arbitration choice in the Global Campaign Disputes". Vol.24, No.2, pp: 294-312 2022.

Barlow, P., Labonte, R., McKee, M., & Stuckler, D. Trade challenges at the World Trade Organization to national noncommunicable disease prevention policies: a thematic document analysis of trade and health policy space. PLoS medicine, 15(6), e1002590. 2018

Callista, J., & Putranto, R. D. Review on the importance of transparency in international trade based on the rules of the world trade organization. Indonesian Journal of Multidisciplinary Sciences (IJoMS), 1(2), 153-162. 2022

Palmeter, D., Mavroidis, P. C., & Meagher, N. Dispute Settlement in the World Trade Organization. Cambridge University Press. 2022

Thow, A. M., Jones, A., Hawkes, C., Ali, I., & Labonté, R. Nutrition labelling is a trade policy issue: lessons from an analysis of specific trade concerns at the World Trade Organization. Health Promotion International, 33(4), 561-571. 2018

https://www.wto.org/english/thewto_e/glossary_e/glossary_e.htm :(Last visited on: 08/09/2015)

Annex III, Trade Policy Review Mechanism, B. Domestic Transparency
GATT Article II; GATS Article XX.

GATT Article X; GATS Article III: 1; TRIPS Article 63.

GATT Article X; GATS Telecoms reference paper; Agreement on Government Procurement, Articles XVIII and XIX.

GATT Panel Report, Japan – Trade in Semi-Conductors, L/6309(Mar. 24, 1988); GATT Panel Report, Japan – Restrictions on Imports of Certain Agricultural Products, L/6253(Nov. 18, 1987); GATT Panel on Japanese Measures on Imports of Leather, L/5623(Mar. 2, 1984).

GATT Panel Report, Japanese Measures on Imports of Leather (Japan – Leather II (US)) L/5623, Adopted on 15 May 1984.

<https://www.linkedin.com/pulse/reflections-recommendations-wtos-trade-policy-reviewmechanism-lu>(visited on: 08/10/2016)

https://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.htm (Last visited on: 08/09/2015)

https://www.wto.org/english/tratop_e/serv_e/s_negs_e.htm.(Last visited on: 03/04/2015) 2 technical barriers to trade.

Negotiating Group on Functioning of the GATT System, Note by the Secretariat: Meeting of 24- 28 October 1988, 8, MTN.GNG/NG14/10. 1988

Panel Report, Japan – Measures Affecting Consumer Photographic Film and Paper (Japan – Film), WT/DS44/R, Adopted on 22 April 1998.

SPS; TBT; GATS Article III: 4.

The Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS).

WTO Appellate Body Report, United States – Anti-Dumping Measures on Certain Hot-Rolled Steel Products from Japan(US – Hot-Rolled Steel), WT/DS184/AB/R, Adopted on 23 August 2001.

WTO Appellate Body Report, United States – Underwear, op. cit.

Xiankun Lu, "Reflections and Recommendations on the WTO's Trade Policy Review Mechanism", Published on December 12, 2015

شماره ۵۲،

دوره ۱۲،

سال پنجم،

بهار ۱۴۰۳،

صص ۱-۱۹

Investigating the effect of transparency and guaranteeing the implementation of trade laws in achieving the goals of the World Trade Organization

Zohreh Ataeipour¹

Abstract

Transparency has always been considered as one of the important principles of the World Trade Organization. Examining the approach of the World Trade Organization can explain the tools and procedures that this organization has considered for the maturity and evolution of this principle. Due to the special importance of this issue, the aim of the current research is to provide a suitable answer to this question, what will be the effect of transparency and guarantee of the implementation of trade laws in the realization of the goals of the World Trade Organization with the approach of the governments' membership in them? It should be mentioned that the research method in this thesis is analytical-descriptive as well as the method of collecting information in the form of library studies. The results show that in almost all the agreements of this organization, we see regulations about transparency, and in fact, the principle of transparency has been evolving and growing, and the course of this evolution has been in such a way that it is considered as a basis for changes in the structure of this organization and has made it possible to make efforts to improve the processes of creating business policies in the internal system of the members. It was also explained that transparency can be the driving force of countries in increasing the volume of trade and commerce, using competition rules in accordance with international law, using the capacities to protect products and proprietary goods and their ownership around the world, and also in case of disputes, from The potential of the arbitration institution should also be used. Also, the transparency of the mentioned contracts and the guarantees of their implementation will cause the governments to become members of the World Trade Organization's institutions and organizations much more easily.

Keywords: World Trade Organization, Contract Transparency, Performance Guarantee, International Agreements

¹ Master's student, International Trade Law, Chabahar International University: Corresponding author